



سیمای سوره رعد

این سوره در مکه نازل شده و چهل و سه آیه دارد. با توجه به طرح موضوع تسبیح رعد آسمان در آیه ۱۳ این سوره، رعد نامیده شده است. مطالبی پیرامون عظمت قرآن، توحید، آفرینش آسمانها و زمین، تسخیر ماه و خورشید، آفرینش میوهها و گیاهان، معاد و عدل الهی، مسئولیت مردم، وفای به عهد و صلح رحم، صبر و ترک انتقامجویی، کسب آرامش واقعی در پرتو ایمان به خدا و سرنوشت شوم مخالفان انبیا علیهم السلام در این سوره آمده است.

۴. انگیزه‌ها و عوامل عدم پذیرش:

الف: تقلید. ب: تعصب. ج: تکبر.

د. هوای نفس. ﴿فَان لَّمْ يَسْتَجِيبُوا لَكَ فَاعْلَمْ اِنَّمَا يَتَّبِعُونَ اَهْوَاءَهُمْ﴾^(۱)

۵. پاداش پذیرش:

الف: اجر. ﴿و يَزِيدُهُمْ مِنْ فَضْلِهِ﴾^(۲)

ب: حیات. ﴿دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ﴾^(۳)

ج: حُسنی. ﴿لِلَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ الْحُسْنَى﴾^(۴)

پیام‌ها:

۱- بهترین‌ها در انتظار مؤمن است. ﴿الحسنی﴾

۲- باز خرید و فدیة در روز قیامت وجود ندارد. ﴿لافتدوا به﴾

۳- قبولی دعوت خداوند، باید از روی میل و رغبت باشد. ﴿استجابوا﴾

﴿۱۹﴾ أَفَمَنْ يَعْلَمُ أَنَّمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ الْحَقُّ كَمَنْ هُوَ أَعْمَى

إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ

پس آیا کسی که می‌داند آنچه از جانب پروردگارت بسوی تو نازل شده حق است،

مانند کسی است که نابیناست؟ همانا تنها صاحبان خرد پند می‌گیرند.

نکته‌ها:

□ در آیه قبل به کسانی که دعوت حیات‌بخش انبیا ﷺ را اجابت می‌کنند اشاره شد، این آیه

وآیات بعد، آثار استجابت آن دعوت را بیان می‌فرماید.

□ هر کدام از فطرت، عقل و علم در انسان، مغز و لَبی دارند که گاه بواسطه عادات، رسوم،

خرافات، غرائز، روی آنها پوشیده می‌شود، لذا انسان باید دائماً متوجه آن هسته‌ی مرکزی

۱. قصص، ۵۰.

۲. نساء، ۱۷۳.

۳. انفال، ۲۴.

۴. رعد، ۱۸.

و مغز آنها باشد.^(۱)

سیمای خردمندان در قرآن

□ واژه «اولوا الالباب» مرتبه در قرآن آمده و هر مرتبه همراه با یک کمال و وصفی بیان شده است. از جمله:

۱. راز احکام را می فهمند. ﴿و لکم فی القصص حیاة یا اولی الالباب﴾^(۲)
۲. آینده نگر هستند. ﴿تزوّدوا فانّ خیر الزّاد التقوی واتقون یا اولی الالباب﴾^(۳)
۳. دنیا را محل عبور و گذر می دانند نه توقف گاه و مقصد. ﴿لا ولی الالباب الّذین... یتفکرون فی خلق السّموات والارض ربّنا ما خلقت هذا باطلا﴾^(۴)
۴. از تاریخ، درس عبرت می گیرند. ﴿لقد کان فی قصصهم عبرة لا ولی الالباب﴾^(۵)
۵. بهترین و برترین منطق را می پذیرند. ﴿الّذین یستمعون القول فیتبعون احسنه ... و اولئک هم اولوا الالباب﴾^(۶)
۶. اهل تهجد و عبادت می باشند. ﴿امن هو قانت آناء الیل... انما یتذکر اولوا الالباب﴾^(۷)

پیامها:

- ۱- قرآن انسان بی خبر از حق را نایبنا می داند. به جای «کمن هو لایعلم» فرموده است ﴿کمن هو اعمی﴾
- ۲- دین، مطابقت فطرت انسان هاست، تنها تذکر لازم است تا غفلت زدایی شود. ﴿انما یتذکر...﴾
- ۳- عقلی که انسان را به حقایق کتاب آسمانی نرساند، عقل نیست. ﴿انما یتذکر اولوا الالباب﴾
- ۴- علم مفید، محصول تعقل و تذکر است. ﴿من یعلم، یتذکر اولوا الالباب﴾
- ۵- برای رسیدن به عقل سلیم و فطرت خالص باید گناه و غفلت را از خود دور

۳. بقره، ۱۹۷.

۲. بقره، ۱۷۹.

۱. تفسیر فرقان.

۶. زمر، ۱۸.

۵. یوسف، ۱۱۱.

۴. آل عمران، ۱۹۱.

۷. زمر، ۹.

کرد. ﴿أَمَّا يَتَذَكَّرُ أُولَئِكَ﴾

﴿۲۰﴾ الَّذِينَ يُوفُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَلَا يَنْقُضُونَ الْمِيثَاقَ

(خردمندان) کسانی هستند که به پیمان الهی وفا می‌کنند و عهد (و را) نمی‌شکنند.

نکته‌ها:

- «عهدالله» هم شامل پیمان‌های فطری از قبیل عشق به حق و عدالت می‌شود، هم پیمان‌های عقلی مثل درک حقایق عالم هستی و مبدأ و معاد را در برمی‌گیرد، هم بر پیمان‌های شرعی همچون عمل به واجبات و ترک محرمات اطلاق می‌گردد و هم بر پیمان‌هایی که انسان‌ها با یکدیگر می‌بندند و متعهد می‌شوند و خداوند مراعات آنها را واجب فرموده، صادق است.^(۱)
- یکی از مهم‌ترین پیمان‌های الهی، امامت رهبران آسمانی است. بعد از آنکه حضرت ابراهیم علیه السلام با پشت سر گذاشتن آزمایش‌های متعدد به مقام امامت رسید، از خداوند خواست تا فرزندان او نیز دارای این مقام شوند. خداوند برای روشن شدن جایگاه امامت، به جای آنکه بفرماید مقام امامت به افراد ظالم نمی‌رسد فرمود: ﴿لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ﴾ عهد من به ستمگران نمی‌رسد.
- «میثاق» به چیزی گفته می‌شود که دل انسان با آن وثوق و اطمینان پیدا می‌کند و از آنجا که وجود یک رهبر الهی، دل و جان انسان‌ها را آرام و مطمئن می‌سازد. لذا از مصادیق میثاق شمرده شده است.
- وفای به عهد مانند احترام به والدین و ردّ امانت، تنها از حقوق اسلامی نیست، بلکه از حقوق انسانی است. لذا هر خردمند و عاقلی باید آن را مراعات کند.

۱. تفسیر نمونه.

پیام‌ها:

- ۱- عقل صحیح و سالم، انسان را به دین الهی وفادار می‌سازد. ﴿اولوا الالباب، الذین یوفون﴾
- ۲- وفای به عهد از آثار خرد و عقل است. ﴿اولوا الالباب - یوفون ...﴾
- ۳- احترام به پیمان‌ها و قراردادهای اجتماعی، از ویژگی‌های انسان مؤمن عاقل است. ﴿لاینقضون الميثاق﴾

﴿۲۱﴾ وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيَخْشَوْنَ

رَبَّهُمْ وَيَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ

و (خردمندان) کسانی هستند که آنچه را خداوند به پیوند با آن فرمان داده پیوند می‌دهند و در برابر پروردگارشان (بخاطر شناختی که دارند خشوع و) خشیت دارند و از سختی حساب می‌ترسند.

نکته‌ها:

- در روایات آمده است آنچه را که خداوند به وصل آن فرمان داده، صله‌ی رحم، یعنی حفظ پیوندهای خانوادگی و همچنین حفظ پیوندهای مکتبی یعنی ارتباط دائم و عمیق با رهبران آسمانی و پیروی از خط ولایت است.^(۱)
- با نگاهی ساده و گذرا به جهان در عصر حاضر خواهیم دید علی‌رغم آنکه بهترین و بیشترین سرمایه، یعنی نفت را در زیر پای خود دارند و بهترین نقطه وحدت و عشق بیش از یک میلیارد مسلمان، یعنی کعبه را در پیش روی، و از بهترین مکتب و منطق نیز برخوردارند، اما بخاطر قطع ارتباط با مسأله رهبری الهی، همچنان تحت انواع فشارهای ابرقدرت‌ها بسر می‌برند. از این روست که در آیه ۲۷ سوره بقره بعد از جمله ﴿و یقطعون ما امر الله به ان یوصل﴾ عبارت ﴿و یفسدون فی الارض﴾ آمده است، زیرا بدیهی است که

۱. تفسیر صافی.

- قطع رحم به تنهایی سبب فساد بر روی زمین نمی‌شود، بلکه این رها کردن رهبری الهی است که گرفتار شدن در چنگال طاغوت و گسترش و نشر فساد و تباهی را بدنبال می‌آورد.
- ارتباطاتی را که خداوند به آن امر فرموده، بسیار متنوع و فراوان است، از جمله:
- الف: ارتباط فرهنگی با دانشمندان. ﴿فَسئَلُوا اهل الذکر ان کنتم لاتعلمون﴾^(۱)
- ب: ارتباط اجتماعی با مردم. ﴿اصبروا و صابروا و رابطوا﴾^(۲)
- ج: ارتباط عاطفی با والدین. ﴿و بالوالدین احساناً﴾^(۳)
- د: ارتباط مالی با نیازمندان. ﴿من ذا الذی یقرض الله قرضاً حسناً﴾^(۴)
- ه: ارتباط فکری در اداره جامعه. ﴿و شاورهم فی الامر﴾^(۵)
- و: ارتباط سیاسی با ولایت. ﴿و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم﴾^(۶)
- ز: ارتباط همه جانبه با مؤمنان. ﴿انما المؤمنون اخوة﴾^(۷)
- ح: ارتباط معنوی با اولیای خدا. ﴿لقد کان لکم فی رسول الله أسوة حسنة﴾^(۸)

صله رحم

- صله‌ی رحم تنها به دیدن و ملاقات کردن نیست، کمک‌های مالی نیز از مصادیق صله‌ی رحم بشمار می‌رود. امام صادق علیه السلام فرمودند: در اموال انسان غیر از زکات، حقوق دیگری نیز واجب است و آنگاه این آیه را تلاوت فرمودند.^(۹) البته شاید مراد امام علیه السلام از حقوق دیگر، همان خمس باشد.
- در اهمیت صله‌رحم همین بس که خداوند آن را در کنار ذکر خود قرار داده است. ﴿واتقوا الله الذی تساءلون به والارحام﴾^(۱۰)
- ارحام تنها منحصر به خانواده و بستگان نسبی نیست، بلکه جامعه بزرگ اسلامی را که در آن همه افراد امت با هم برادرند، ﴿انما المؤمنون اخوة﴾^(۱۱) و پدرشان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و

| | | |
|---------------|-------------------|----------------|
| ۱. نحل، ۴۳. | ۲. آل عمران، ۲۰۰. | ۳. بقره، ۸۳. |
| ۴. بقره، ۲۴۵. | ۵. آل عمران، ۱۵۹. | ۶. نساء، ۵۹. |
| ۷. حجرات، ۱۰. | ۸. احزاب، ۲۱. | ۹. تفسیر صافی. |
| ۱۰. نساء، ۱. | ۱۱. حجرات، ۱۰. | |

حضرت علی علیه السلام است نیز در برمی‌گیرد. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «أنا و علیّ أبوا هذه الامة»^(۱)

□ امام صادق علیه السلام در آستانه رحلت از دنیا، دستور دادند تا به بستگانی که نسبت به ایشان جسارت کرده بودند هدیه‌ای بدهند. وقتی حضرت در انجام این کار مورد انتقاد قرار می‌گیرند، آیه فوق را تلاوت می‌فرمایند.^(۲) و این‌گونه به ما یاد می‌دهند که شرط صله‌ی رحم خوش‌بینی، علاقه و رابطه آنها با ما نیست.

□ در توضیح عبارت‌های «یخشون ربهم» و «یخافون سوء الحساب» باید گفت که اگر چه کلمات «خشیت» و «خوف» در بعضی موارد در معنای مترادف و مشابهی بکار رفته و از آنها یک معنا اراده گردیده است، اما فی‌الواقع میان آن دو تفاوت وجود دارد؛ به اینکه خشیت عبارت است از آن خوف و تأثر قلبی که انسان بخاطر احترام و عظمت از کسی در دل پیدا می‌کند، اما خوف دارای معنای وسیعتری است و شامل هرگونه ترس و اضطرابی می‌شود. به عبارت دیگر هیچگاه خشیت در مورد یک حادثه تلخ بکار نمی‌رود و انسان نمی‌گوید من از سرما، مرض و... خشیت دارم در حالی که کاربرد واژه خوف در اموری مثل ترس از سرما، گرما و مرض امری رایج و شایع است. و نهایتاً، از آنجا که خشیت بر مبنای علم انسان به عظمت و اهمیّت و احترام طرف مقابل قرار دارد، می‌توان گفت که خشیت مخصوص افراد عالم است و خوف در مورد همه مردم بکار می‌رود. چنانکه قرآن می‌فرماید: «أما یخشی الله من عباده العلماء»^(۳) تنها دانشمندان از خدا خشیت دارند.

پیام‌ها:

- ۱- حفظ پیوندهای مکتبی و الهی، نشانه‌ی عقل صحیح است. ﴿اولوا الالباب... الذین یصلون﴾
- ۲- ما باید بخاطر فرمان خدا با بستگان ارتباط برقرار کنیم، خواه دیگران به دنبال ارتباط با ما باشند یا نباشند. ﴿امراة به ان یوصل﴾

۳. فاطر، ۲۸.

۲. تفسیر نورالثقلین. ۱. بحار، ج ۲۳، ص ۲۹۵.

۳- در دید و بازدیدها و صله‌ی رحم‌ها، مواظب گناهان و از جمله چشم چرانی‌ها باشید. ﴿یصلون... یخشون ربهم﴾

۴- هم از عظمت الهی پروا کنید، ﴿یخشون﴾ و هم از مجازات او بترسید. ﴿یخافون﴾
 ۵- قطع رحم، سبب سختی حساب است. ﴿یصلون... یخافون سوء الحساب﴾

﴿۲۲﴾ وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ
 أَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً وَيَدْرءُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةِ
 أُولَئِكَ لَهُمْ عُقْبَى الدَّارِ

و (خردمندان) کسانی هستند که برای جلب توجه پروردگارشان صبر
 پیشه کرده و نماز بپا داشتند و از آنچه روزیشان کردیم پنهانی و آشکارا
 انفاق کردند و بدی را با نیکی پاک می‌کنند. آنانند که سرای آخرت
 مخصوص آنهاست.

نکته‌ها:

□ «صبر»، فقط به معنای تحمل مشکلات نیست، بلکه شامل پایداری در عبادت، مقابله با
 معصیت، بردباری در مصیبت، تسلیم در اطاعت و عدم غرور و مستی در نعمت نیز
 می‌شود.

□ «وجه ربهم» به معنای جلب توجه، عنایت و رضایت پروردگار است.
 □ اقامه نماز یکی از مصادیق پیمان‌های الهی «عهدالله» است که در آیات سابق آمد، چنانکه
 در روایت نیز آمده است: «الصلاة عهد الله».

□ صبر و صلا پیوند با خالق، انفاق و حسنه، ارتباط با مردم است.

□ انفاق دارای درجاتی است؛

گام اول: بخشش از فضل و داده‌های الهی. ﴿انفقوا مما رزقناکم﴾^(۱)

گام دوم: بخشش از دسترنج و کسب حلال. ﴿انفقوا من طیبات ما کسبتم﴾^(۱)
 گام سوم: بخشش از آنچه دوست دارند. ﴿لن تنالوا البرَّ حتّٰی تنفقوا مما تحبّون﴾^(۲)
 گام چهارم: ایثار. ﴿و یؤثرون علی انفسهم و لو کان بهم خصاصة﴾^(۳)
 □ به فرموده‌ی المیزان، «عقبی الدار» به معنای عاقبت به خیری در دنیا است، ولی می‌توان گفت که شامل هر دو سرا «دنیا و آخرت» می‌شود.
 □ معنای اینکه بدی را با خوبی برطرف کنیم، این است که اگر از مومنان کسی کار ناشایستی در رابطه با ما انجام داد اغماض کنیم، نه اینکه با افراد ظالم و مفسد چنین رفتاری داشته باشیم، زیرا در مورد آنها باید مقابله به مثل نمود. به هر صورت اگر چه اسلام دین اخلاق و عاطفه و بخشش است، ولی در جای خود ﴿لاتأخذکم بهما رأفة﴾^(۴) نیز دارد.
 □ اسلام مکتب جامع و اولوالالباب افراد کاملی هستند. وجود جملاتی همچون: «یوفون»، «یصلون»، «یحشون»، «یحافون»، «صبروا»، «اقاموا»، «انفقوا» و «یدروُن» نشانه آن است که انسان‌های کامل هم متعهد به پیمان‌های خود هستند، هم تمام ارتباطات خود را حفظ می‌کنند، هم تقوای والایی دارند و هم بجای انزوا، در همه‌ی میدان‌ها حاضر و فعال‌اند.

پیام‌ها:

- ۱- صبر و استقامتی ارزش دارد که برای خداوند و در راه او باشد. (نه هر تعصب و لجاجت و یکدندگی) ﴿صبروا ابتغاء وجه ربهم﴾
- ۲- نماز باید اقامه شود، نه آنکه فقط خوانده شود. یعنی باید آداب، شرایط، حدود و دستورات آن مراعات شود. ﴿اقاموا الصّلاة﴾
- ۳- رابطه با خدا بدون کمک به دیگران مقبولیتی ندارد، گرچه کمک هم تنها کمک مالی نیست. ﴿اقاموا الصّلاة و انفقوا﴾
- ۴- به انفاق خود مغرور نشوید، آنچه می‌دهید از اوست. ﴿انفقوا ممّا رزقناهم﴾
- ۵- وقتی نیت کار «ابتغاء وجه ربّ» یعنی رضایت پروردگار شد، دیگر پنهان و

۳. حشر، ۹.

۲. آل عمران، ۹۲.

۱. بقره، ۲۶۷.

۴. نور، ۲.

آشکار عمل مهم نیست. ﴿سراً و علانیة﴾

۶- حکمت اقتضا می‌کند که بعضی از کمک‌ها علنی و بعضی دیگر مخفی باشد.

﴿سراً و علانیة﴾

۷- گناه را با توبه، منکر را با معروف، ظلم را با عفو، ناسزا را با سلام، عذاب را با

صدقه، جفا را با صلح، استبداد را با مشورت و ولایت طاغوت و شیطان را با

ولایت حق جبران نماییم. ﴿یدرون بالحسنة السیئة﴾

۸- خوش عاقبتی در دنیا و آخرت از آن صاحبان خرد است. ﴿اولوالالباب... اولئك

لهم عقبی الدار﴾

﴿۲۳﴾ جَنَّاتٌ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَ

ذُرِّيَّاتِهِمْ وَالْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ

(سرای آخرت) باغ‌های جاودانی که آنان و هر کس از پدران و همسران و

فرزندانشان که صالح بوده‌اند بدان داخل می‌شوند و فرشتگان از هر دری

(برای تبریک و تهنیت) بر آنان وارد می‌شوند.

نکته‌ها:

□ از میان ۱۲۷ مرتبه‌ای که «جَنَّت» و «جَنَّت» در قرآن آمده، تنها ۱۱ مورد از آن تعبیر

«جَنَّت عدن» دارد که طبق حدیثی از درالمنثور، به معنای بهشت مخصوص است.^(۱)

رسول اکرم ﷺ فرمودند: هر کس می‌خواهد زندگی و مرگش همچون زندگی و مرگ من

باشد و به «جَنَّت عدن» که بهشت من است وارد شود، باید علی بن ابیطالب عليه السلام و ذریه‌ی

او را، رهبر و امام خود قرار دهد که آنها در علم و فهم، برترین انسان‌ها و هادی مردم به

سوی هدایت‌اند.^(۲)

□ بارها در قرآن آمده است که افراد صالح یک خانواده، در بهشت نیز در کنار هم خواهند بود

۲. تفسیر نورالثقلین.

۱. تفسیر فرقان.

و از مصاحبت یکدیگر لذت خواهند برد. البته ذکر عنوان بعضی از افراد خانواده مثل پدر، همسر و فرزند در آیه شریفه فوق دلالت بر خصوصیتی ندارد و شامل همه افراد صالح خانواده، اعم از افراد مذکور و مادران، خواهران و برادران نیز می‌شود. در ضمن شاید علت عدم ذکر نام مادر آن باشد که مادر، همسر پدر است و مشمول «ازواج» می‌گردد، همان گونه که خواهر و برادر، ذریه پدر، و عمو و عمّه از ذراری آباء شمرده می‌شوند.

□ آنچه از آیات الهی به دست می‌آید این است که فرشتگان، در همه احوال در دنیا و آخرت (برزخ و قیامت) با انسان ارتباط دارند، گاهی بر او درود و صلوات می‌فرستند، ﴿یصلی علیکم و ملائکتہ﴾^(۱) گاهی برای او استغفار و طلب بخشش می‌کنند، ﴿و یتستغفرون للذین آمنوا﴾^(۲) و زمانی هم برای او دست به دعا برمی‌دارند، ﴿ربنا وادخلهم جنّات عدن﴾^(۳) در هنگام مرگ و شروع عالم برزخ نیز با شعار و تلقین ﴿الاتخافوا و لاتحزنوا﴾^(۴) و با جمله «سلام علیکم» جان آنها را می‌گیرند. ﴿الذین تتوفّاهم الملائکة طیبین یقولون سلام علیکم﴾^(۵) و در آخرت نیز از هر سو بر آنان سلام می‌کنند.

□ برای بهشت هشت درب ذکر شده که با تعداد اوصافی که برای اولوالالباب در آیات اخیر شمرده شده مطابقت دارد. گویا هر کدام از این صفتهای هشت‌گانه، دری از درهای بهشت و راهی بسوی سعادت ابدی را به سوی انسان باز می‌کند.

□ هر پدر و فرزند، هر زن و شوهر و هر آباء و ذریه‌ای در بهشت به یکدیگر ملحق نمی‌شوند و در کنار هم قرار نمی‌گیرند، زیرا در روز قیامت، انساب و اسباب، کارساز نیستند. ﴿فلا انساب بینهم﴾^(۶) و آن روز هر کس در گرو اعمال خویش است، ﴿کلّ نفس بما کسبت رهینه﴾^(۷) و جز سعی و تلاش، چیز دیگری مؤثر نیست، ﴿لیس للانسان الاّ ما سعی﴾^(۸) بنابراین ورود بعضی از بستگان بر بعضی دیگر، تنها به خاطر لیاقت و صلاحیت فردی خود آنهاست. مشابه این آیه را می‌توان در سوره‌های غافر، آیه ۷ و طور آیه ۲۱ نیز مشاهده کرد.

| | | |
|---------------|-------------|-----------------|
| ۱. احزاب، ۴۳. | ۲. غافر، ۷. | ۳. غافر، ۸. |
| ۴. فصلت، ۳۰. | ۵. نحل، ۳۲. | ۶. مؤمنون، ۱۰۱. |
| ۷. مدثر، ۳۸. | ۸. نجم، ۳۹. | |

پیام‌ها:

- ۱- شرط ورود به بهشت، صالح بودن است. ﴿و من صلح﴾
- ۲- خانواده بهشتی، خانواده‌ای است که بین اعضای آن همبستگی و صمیمیت در مسیر حق باشد. ﴿صَلِّحْ مِنْ آبَائِهِمْ﴾
- ۳- توجه به عواطف در اسلام یک اصل است. برای انسان زندگی در بهترین مکان‌ها، ولی به دور از خانواده، صفایی ندارد. ﴿يَدْخُلُونَهَا وَمَنْ صَلِّحْ مِنْ آبَائِهِمْ﴾

﴿۲۴﴾ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ

(فرشتگان هنگام دیدار بهشتیان به آنان می‌گویند: بخاطر استقامتی که کردید، بر شما درود باد. پس چه نیکوست سرای آخرت.

نکته‌ها:

- یکی از امتیازات بی‌نظیر قرآن، بیان پرمحتواترین مطالب، در قالب ساده‌ترین و مختصرترین کلمات است. از جمله همین عبارت «سلام علیکم» که جمله‌ای بسیار کوتاه و آسان، اما پرمحتوا و رساست و سابقه‌ی آن به انبیای گذشته همچون ابراهیم، نوح و آدم علیهم‌السلام می‌رسد. ﴿سَلَامٌ عَلَى نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ﴾^(۱)، ﴿سَلَامٌ عَلَى مُوسَى وَهَارُونَ﴾^(۲)
- سلام، یکی از نام‌های خداوند، تهنیت خداوند بر پیامبران، تبریک الهی بر بهشتیان، زمزمه فرشتگان، کلام بین‌المللی تمام مسلمانان، شعار بهشتیان در این جهان و آن جهان، ذکر خالق و مخلوق، ندای وقت ورود و خروج، آغاز هر کلام در نامه و بیان است که هم بر مرده و زنده و هم بر بزرگ و کوچک گفته می‌شود و پاسخ آن در هر حال واجب است.
- پیام سلام، احترام، تبریک، دعا، امان و تهنیت از سوی خداوند است. ﴿سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ﴾^(۳) وقتی ما در پایان هر نماز می‌گوییم: «السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ»، با این سلام تمام مرزهای نژادی و امتیازات پوچ سنّ، جنسیت، مال، مقام، زبان و زمان را در طول تاریخ در هم می‌شکنیم و با همه بندگان صالح خدا ارتباط برقرار می‌کنیم و بر آنها

۱. صافات، ۷۹.

۲. صافات، ۱۲۰.

۳. یس، ۵۸.

درود می فرستیم.

□ در روایات آمده: گروهی از مردم قبل از رسیدگی به حساب، به بهشت می روند، وقتی فرشتگان علت را سؤال می کنند، جواب می شنوند که ما در دنیا بر اطاعت خداوند و بر مشکلات و مصایب صبر می کردیم و اهل شکیبایی بودیم. فرشتگان با شنیدن جواب، از آنان با «سلام علیکم ...» استقبال می کنند.^(۱)

□ امام صادق علیه السلام فرمودند: ما اهل صبر هستیم، اما شیعیان ما از ما صبورتر می باشند. زیرا صبر ما بر چیزی است که می دانیم، ولی آنان بر چیزی صبر می کنند که نمی دانند.^(۲)

نکاتی پیرامون صبر

۱. منشأ و سرچشمه صبر را از خداوند بدانیم. ﴿و ما صبرک الا بالله﴾^(۳)
۲. مقصد و هدف از صبر را نیز رضایت الهی قرار دهیم، نه خوشنمایی و نه هیچ چیز دیگر. ﴿و لربک فاصبر﴾^(۴)
۳. صبر از صفات انبیا است. ﴿کلّ من الصّابرين﴾^(۵)
۴. صبر کلید بهشت است. ﴿ام حسبتم ان تدخلوا الجنة و لما یأتکم ...﴾^(۶)
۵. صبر در بلاها و آزمایشات الهی، محک و ملاک شناخت و روشن شدن چهره‌ی مجاهدان و صابران است. ﴿و لنبلوئنکم حتی نعلم المجاهدین منکم و الصّابرين﴾^(۷)
۶. صبر سبب دریافت صلوات خداوند است. ﴿اولئک علیهم صلوات من ربهم﴾^(۸) (شاید یکی از علل صلوات بر پیامبر و اهل بیت او این است که آنها صابرترین مردم بودند.)
۷. صبر نسبت به ایمان، به منزله سر برای بدن است. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: ﴿الصبر من الايمان کالرأس من البدن﴾^(۹)
۸. صبر، میزان درجات بهشتیان است. ﴿سلام علیکم بما صبرتم﴾، ﴿اولئک یجزون الغرفة بما

| | | |
|-----------------|----------------|----------------------|
| ۱. تفسیر قرطبی. | ۲. تفسیر صافی. | ۳. نحل، ۱۲۷. |
| ۴. مدثر، ۷. | ۵. انبیاء، ۸۵. | ۶. بقره، ۲۱۴. |
| ۷. محمد، ۳۱. | ۸. بقره، ۱۵۷. | ۹. بحار، ج ۹، ص ۲۰۳. |

صبروا ﴿۱﴾، ﴿و جزاهم بما صبروا جنة و حریرا﴾ ﴿۲﴾

۹. صبر، دارای درجاتی است. در حدیثی می‌خوانیم که صبر بر مصیبت ۳۰۰ و صبر بر طاعت ۶۰۰ و صبر از معصیت ۹۰۰ درجه دارد. ﴿۳﴾

۱۰. در سراسر قرآن فقط در مورد صابران اجر بی‌حساب مطرح شده است. ﴿انما یوقی الصّابرون اجرهم بغير حساب﴾ ﴿۴﴾

۱۱. قرآن مجید در کنار صبر، شکر را نیز مطرح فرموده است، اشاره به اینکه مشکلات هم نعمت هستند. ﴿لکلّ صبار شکور﴾ ﴿۵﴾

۱۲. صبر، وصیت امام حسین علیه السلام به فرزندش امام سجاد علیه السلام است. ﴿یا بنی اصبر علی الحقّ و ان کان مرّا﴾ ﴿۶﴾

۱۳. گاهی در یک اقدام چند نوع صبر دیده می‌شود. نظیر اقدام حضرت ابراهیم در قربانی کردن اسماعیل که هم صبر بر اطاعت و تسلیم و هم صبر بر مصیبت را لازم دارد.

پیام‌ها:

۱- سرچشمه همه کمالات صبر است. ﴿بما صبرتم﴾ صبر در پایان هشت نشانه و کمال برای اولوالالباب بیان شده و فرشتگان نیز اساس درود خود را صبر مؤمنان می‌دانند.

۲- سلام کردن به هنگام ورود، شیوه فرشتگان است. ﴿یدخلون علیهم، سلام علیکم﴾
۳- بهشت «دارالسلام» است. چون فرشته‌ها از هر سو بر بهشتیان سلام می‌کنند. ﴿من کلّ باب سلام علیکم﴾

۴- به کسانی که پایداری و پشتکار دارند احترام بگذاریم. ﴿سلام علیکم بما صبرتم﴾
۵- در نظام الهی حتی بکار بردن کلمات و درود و تبریک نیز بر اساس یک مبنا و حکمت (ایمان و عمل) است نه تملق و گزافه. ﴿سلام علیکم بما صبرتم﴾

۳. بحار، ج ۷۱، ص ۹۲.
۶. بحار، ج ۷۰، ص ۱۸۴.

۲. انسان، ۱۲.
۵. ابراهیم، ۵.

۱. فرقان، ۷۵.
۴. زمر، ۱۰.